



## جامعیت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری

### با تأکید بر تحول بنیادین در علوم انسانی

ناصر عابدینی<sup>۱</sup>، علیرضا دل افکار<sup>۲</sup>، سید مهدی مصطفوی<sup>۳</sup>

۱۰

دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۱۰  
تابستان ۱۴۰۳

#### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۳۱

صص: ۱۲۸-۱۰۵

شابا چاپی: ۲۶۳-۰۰۲۳۸۳

رتبه علمی

ب

پرسش: صنعت کوکبی در :  
JOURNALS.MSRT.IR

DOR:

#### چکیده

چرخه جامعیت قرآن، به معنای جاودانگی و جهانشمولی قرآن، از موضوعات اساسی مباحث علوم قرآنی است که اندیشمندان مسلمان از گذشته تا حال با استناد به آیات و روایاتی به تبیین این مبنا پرداخته‌اند. این پژوهش، به شیوه توصیفی تحلیلی، جامعیت قرآن را از دیدگاه مقام معظم رهبری با تأکید بر تحول بنیادین در علوم انسانی، کاویده است. در اندیشه قرآنی ایشان، جامعیت قرآن به معنای ضامن بودن قرآن در تبیین حقایق و اشمال آن بر نیازها و تکالیف انسان بوده و این کتاب آسمانی بر همه صحنه‌ها و میدان‌های حضور بشر نظیر بُعد معنوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مدیریتی، هدایتی، اخلاقی و... اشراف و تسلط دارد و تبیان بودن قرآن، به معنای راهنما، بیان و خط دهنده بودن آن در این صحنه‌ها و میدان‌ها است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از بین دیدگاه‌های بیانگر جامعیت قرآن، در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، دیدگاه حداکثری، جامعیت بالفعل ظاهر الفاظ قرآن بر همه علوم بشری و طبیعی، اعتباری ندارد و همچنین دیدگاه حداکثری، جامعیت قرآن را در باب مسائل ارزشی و اخلاقی، نیز به دلیل نگاه سکولاریستی به قرآن و مهجور قرار دادن آن و پذیرش بخشی از آیات قرآن و انکار بخش دیگر آن، مردود است. ایشان با پذیرش جامعیت اعتدالی قرآن، هدایت‌گر بودن انسان در امور مادی و معنوی، قسمتی از آن را در بعد هدایتی، بیان تمام امور مربوط به هدایت و تربیت انسان در جهات مختلف فردی، اجتماعی، معنوی و... و بخشی دیگر را در بعد علمی، تحول بنیادین در علوم انسانی به معنای تغییر مبانی این علوم از خاستگاه غربی آن به جایگاه قرآنی، می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، جامعیت، مقام معظم رهبری، تحول بنیادین، علوم انسانی.

۱. عضو هیات گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. n.abedini@pnu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

## مقدمه

به گواهی آیات متعدّد قرآن کریم، قرآن آشکار کننده هر مثل و تذکری برای جهانیان، روشنگر هر مطلب، بیانگر هر چیز و کتاب مفصل بوده و معارف و تعالیم آن به نژاد، جامعه، گروه و طبقه‌ای خاص اختصاص نداشته و دستورات و فرامین آن جاودانه و ابدی است (نحل: ۸۹؛ انعام: ۱۱۴؛ یوسف: ۱۱۱؛ اسراء: ۸۹؛ کهف: ۵۴؛ روم: ۵۸؛ زمر: ۲۷؛ انبیاء: ۱۰۷؛ قلم: ۵۲؛ سبأ: ۲۸؛ فرقان: ۱؛ حجر: ۹؛ فصلت: ۴۲؛ مائده: ۳).

همچنین بر اساس روایاتی از ائمه معصومین: نظیر روایاتی که قرآن را جامع تمام علوم و فنون و احتیاجات انسان معرفی می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۵۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۰)، روایاتی که تأکید دارد در قرآن اخبار گذشته و آینده و جمیع احکام مورد نیاز مردم آمده است (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۶)، روایاتی که کشف و استظهار علوم مختلف از قرآن را برای افراد خاص می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۱)، روایاتی که قرآن را به همراه سنت منبع و مصدر هر علمی معرفی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۱۲)، مفاهیم و معارف آیات قرآن در هر زمان و مکانی جامعیت و کارایی لازم را داشته و هر انسانی به فراخور درک و فهم خود از قرآن می‌تواند از دریای علوم، اخبار و معارف قرآن بهره‌گیر و مخاطب قرآن باشد.

این ویژگی‌ها و اوصاف قرآن، بستر مناسبی را به وجود آورده که مفسران و عالمان اسلامی با تفکر و تدبیر در این کتاب آسمانی، جنبه‌ها و ساحات تازه‌ای از جاودانگی و جهان‌شمولی قرآن کریم را کشف کنند. از جمله این جنبه‌ها و ساحات؛ علوم مستنبطه از قرآن و دامنه شمولیت آن است که معاصران از آن به جامعیت قرآن تعبیر کرده و همواره مورد توجه عموم دانشمندان و عالمان اسلامی گذشته و معاصر از سده‌های نخستین اسلام تا به حال بوده و مسلمانان بعد جدیدی از آن را در هر عصری اثبات کرده‌اند. عده‌ای از مفسران دیدگاه حداکثری را در قلمرو جامعیت قرآن پذیرفته‌اند و معتقدند در ظواهر الفاظ آیات قرآن به همه علوم، حتی علوم بشری و طبیعی اشاره شده است. گروهی نیز قرآن را کتاب هدایتگر انسان در امور مادی و معنوی دانسته‌اند و دیدگاه اعتدالی را برگزیده‌اند. برخی نیز به دیدگاه حداقلی قائل‌اند و قلمرو جامعیت دین و به تبع آن قرآن را در باب مسائل ارزشی و اخلاقی می‌دانند. همچنین، دسته دیگری از

مفسران در بیان قلمرو جامعیت قرآن، جامعیت مقایسه‌ای را مطرح کرده و معتقدند قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب نازل شده، در مقایسه با کتب وحیانی، جامعیت دارد. در این میان، مقام معظم رهبری از فقیهان، مفسران و متفکران معاصر اسلامی هستند که نظرات ارزشمند و قابل تأملی در باب جامعیت قرآن و قلمرو آن بیان کرده‌اند که موضوع مورد بحث این پژوهش است.

### اهداف و پرسش تحقیق

هدف مقاله بررسی جامعیت قرآن و قلمرو آن از دیدگاه مقام معظم رهبری است. پرسش ۱. در اندیشه مقام معظم رهبری مراد از جامعیت قرآن چیست و قلمرو و ابعاد آن چگونه است؟ پرسش ۲. آیا مقام معظم رهبری در باب گستره جامعیت قرآن دیدگاه خاصی دارد؟

### پیشینه پژوهش

اگرچه در خصوص جامعیت قرآن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، مفسران فریقین و عالمان اسلامی، آثار مختلفی از جمله: کتاب، رساله، پایانامه و مقالات متعددی تالیف شده است. با این حال پس از بررسی‌های صورت گرفته در خصوص جامعیت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری، مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعیت و مرجعیت علمی قرآن با نگاهی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری» نوشته عبدالمومن حکیمی، ارائه شده در همایش ملی قرآن کریم؛ جامعیت و جهانی بودن در سال ۱۳۹۶ ش، بدست آمد. همچنان‌که عنوان مقاله نیز گویای آن است، این اثر به بررسی بعد علمی جامعیت و مرجعیت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و وجه تفاوت آن با پژوهش حاضر، مقید بودن آن در مسائل علمی و مطلق بودن این پژوهش در تمام ابعاد جامعیت قرآن از دیدگاه ایشان است. علاوه بر آن، اثر یاد شده تنها به اثبات جامعیت و مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه قرآن و روایات و در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته، در حالیکه این پژوهش علاوه بر اثبات جامعیت قرآن در منابع یاد شده، دیدگاه‌ها و نظرات مختلف

در باب قلمرو جامعیت قرآن را بیان کرده و سپس به تعیین گستره آن از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است که بیانگر نوآوری در مطالب این پژوهش و تکراری نبودن آن دارد.

#### ۱. مفهوم‌شناسی

بحث از قلمرو و دامنه موضوعی قرآن، مطلبی است که از قدیم محل توجه قرآن‌پژوهان و مفسرانی همچون سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن، در نوع شصت و پنج، فصلی را با عنوان «العلوم المستنبطه من القرآن» در بیان تنوع علوم در قرآن، بوده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۵۸/۲). با این حال اصطلاح «جامعیت» از واژگان نوظهور و نوساخته در حوزه علوم قرآنی و تفسیر قرآن است که قرآن‌پژوهان و مفسران معاصر غالباً در تفسیر آیات مربوط به قلمرو موضوعی قرآن به کار برده‌اند. از جمله، محمدهادی معرفت در جلد شش کتاب التمهید فی علوم القرآن در باب اعجاز علمی قرآن، مبحثی را با عنوان «هل القرآن مشتمل علی جمیع العلوم» بیان کرده است (معرفت، ۱۴۱۰: ۱۳/۶). در بین معاصران نیز، کتاب‌هایی همچون جامعیت قرآن به قلم محمدعلی ایازی و جامعیت قرآن کریم به قلم مصطفی کریمی نگاشته شده است.

#### ۱. ۱. معنای لغوی

واژه «جامعیت» از نظر ساختار صرفی، مصدر صناعی مرکب از اسم فاعل ثلاثی مجرد (جامع) از ماده «جَمَع، يَجْمَعُ، جمعاً»، یای نسبت (ی) و تایی مربوطه (ه) است. «جَمَع» در لغت به پیوند دادن اجزای یک چیز، جمع کردن اشیای پراکنده، و «جامع» به معنای گردآورنده و فراگیرنده معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵۳/۸؛ سیاح، ۱۳۶۸: ۲۸۲). «جامعیت» نیز در لغت در معانی وضع یا کیفیت جامع بودن، فراگیری و شمول و فراگیری آمده است (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۴۲۲/۱؛ سیاح، ۱۳۶۸: ۲۸۲). رایج‌ترین و متداول‌ترین اصطلاح در منابع عربی که قرابت معنایی و ساختاری با واژه «جامعیت» دارد، مصدر صناعی «شمولیت» است که مرکب از مصدر ثلاثی مجرد (شمول) ماده «شَمَلَ - يَشْمَلُ»، یای نسبت (ی) و تایی مربوطه (ه) بوده که در لغت به معنای پوشاندن، عمومیت و احاطه کردن معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۲۱۵/۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۳۲۳/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۰۴/۵؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳۳۸/۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲۰/۶).

لذا با توجه به ریشه و همچنین ساختار مصدر صناعی بودن دو واژه «جامعیت» و «شمولیت»، گردآورندگی و فراگیرندگی صحیح‌ترین معنا برای آن دو است، با این تفاوت که از نظر استعمال، واژه «جامعیت» غالباً در منابع فارسی و اصطلاح «شمولیت» در منابع عربی کاربرد دارد.

### ۱.۲. کاربردهای قرآنی

لفظ «جامعیت» در آیات قرآن استعمال نشده، ولی ساختار اسم فاعل آن (جامع) در قرآن در سه جا، به عنوان صفت خداوند متعال (آل عمران: ۹؛ نساء: ۱۴۰) و به معنای امر مهم و جامع (نور: ۶۲) کاربرد داشته است.

### ۱.۳. معنای اصطلاحی

واژه «جامعیت» از اصطلاحات نوظهور و جدیدی است که در دو دهه اخیر با پیدایش رویکرد جدیدی به نام «تفسیر عصری» در حوزه تفسیر قرآن، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و مفسران و اندیشمندان معاصر با توجه به جهت‌گیری‌های اجتماعی، عقلی، علمی و ... در تفسیر قرآن، تعاریف مختلفی از آن مطرح کرده‌اند. برخی بدون هیچ نوع اظهارنظری درباره قلمرو جامعیت قرآن، صرفاً به تعریف آن پرداخته و گفته‌اند: «جامعیت در اصطلاح به معنای فراگیری و شمول است، حال این شمول چه در عرصه آموزه‌های دینی باشد و چه توسعه داشته باشد و امور غیردینی را شامل بشود» (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲). عده‌ای نیز قلمرو جامعیت قرآن را مشخص کرده و جامعیت قرآن را شامل امور دینی و اخروی دانسته‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ۱۷۸/۵). برخی نیز می‌گویند شمول و فراگیر بودن آیات و آموزه‌های قرآن راجع به همه شئون زندگی بشر، در تمامی دوران‌ها و اعصار است (مؤدب، ۱۳۸۶: ۲۳۳). همچنین، بعضی روش اعتدال را در این باره برگزیده‌اند:

جامعیت قرآن به معنای بیان تمام اموری است که تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی لازم است؛ اما نه چنان‌که قرآن دائرةالمعارفی بزرگ باشد که تمام جزئیات علوم ریاضی و جغرافیایی و شیمی و فیزیک و گیاه‌شناسی و مانند آن در آن آمده باشد. بنابراین، منظور از جامعیت قرآن، شمول و فراگیری در بیان امور مربوط به سعادت و تکامل مادی و معنوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۱/۱۱).

در نهایت، برخی نیز بعد اجتماعی و تربیتی قرآن را هدف قرار داده و معتقدند:

جامعیت یعنی وجود مجموعه رهنمودها و دستوراتی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان در راه دست‌یابی به سعادت و خوش‌بختی در هر عصر و زمان باشد، که اگر گفته‌ها و دستورات و شرح مقررات نباشد، انسان به سعادت و تکامل نمی‌رسد (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۸).

هر یک از تعاریف فوق بیانگر نوع نگرش‌گوینده آن به قلمرو جامعیت قرآن است. برخی از این تعاریف نظیر تعریف طیب به جامعیت حداکثری قرآن اشاره دارد. بیان مؤدب از جامعیت قرآن، به فراخور مراتب مخاطبان است. تعریف مکارم شیرازی و ایازی در مقام اثبات جامعیت هدایتی تربیتی قرآن است. اما در بین این تعاریف، جامعیت قرآن به فراخور مراتب مخاطبان، بیانگر رمز جاودانگی قرآن برای هر عصر و مکانی است. همچنین، این تعریف جمع‌کننده بین آرا و نظریه‌های مختلف درباره قلمرو جامعیت قرآن و نیز اخبار و روایات معرفی‌کننده قرآن به عنوان جامع تمام علوم، فنون و احتیاجات انسان، اخبار گذشته و آینده و احکامی است که مردم به آن نیاز دارند. زیرا بر اساس این نظریه، پاسخ‌گوبودن قرآن در مقابل نیازهای دینی و دنیوی انسان، به فهم مخاطبان هر عصر و مکان از این پیام آسمانی وابسته است که در این میان در درجه نخست این شأن برای پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. در بین مفسران فریقین، موسوی خمینی، آلوسی، قرائتی و جعفری از مدافعان این دیدگاه هستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۱۸۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷۰/۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۶۹/۴؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۱۹۴/۶ و ۱۹۹-۲۰۰).

## ۲. ادله قرآنی و روایی جامعیت قرآن

اگرچه اصطلاح «جامعیت قرآن» مستقیماً در آیات قرآن استعمال نشده اما مفسران با استناد به آیات بیانگر قلمرو موضوعی قرآن، جامعیت قرآن را بررسی و تحلیل کرده‌اند. در روایات و اخبار نیز همچون قرآن اصطلاح «جامعیت قرآن» کاربردی نداشته و الفاظی مانند «جمع» و مشتقات آن، همچون «جمیع» و «جوامع» آمده است که عالمان و دانشمندان اسلامی از آن جامعیت قرآن را استنباط کرده‌اند.

### ۲. ۱. ادله قرآنی جامعیت قرآن

عموم دانشمندان و عالمان اسلامی متقدم و متأخر با استناد به آیاتی از قرآن به اثبات جامعیت قرآن پرداخته‌اند. به تعبیری، اصل جامعیت قرآن را همگان پذیرفته‌اند. این آیات چند قسم است:

الف. آیاتی که قرآن را با عباراتی نظیر «تبیان لکل شیء»، «کتاب مفصل» و «تفصیل لکل شیء» توصیف کرده است. مانند آیه «... نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹)؛ «... ما قرآن را که بیانگر هر چیز و هدایت و رحمت و مزدهای برای تسلیم‌شدگان در برابر حق بود بر تو نازل کردیم تا بر ستم ستمگران و اسلام تسلیم‌شدگان گواه باشی»؛ همچنین آیه ۱۱۴ سوره انعام و ۱۱۱ سوره یوسف.

ب. آیاتی که تأکید دارد قرآن در بیان مطالب متنوع و جامع از شیوه‌ها و روش‌های مختلفی نظیر مثل‌ها و پندها استفاده کرده است، نظیر آیه «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (اسراء: ۸۹)؛ «به راستی ما در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی، که حق را آشکار کند و آنان را به ایمان و سپاس الاهی گرایش دهد، با بیان‌های گوناگون آوردیم، ولی بیشتر مردم نپذیرفتند و به چیزی جز کفر و ناسپاسی روی نیاوردند»؛ همچنین آیه ۵۴ سوره کهف، ۵۸ سوره روم و ۲۷ سوره زمر.

ج. آیاتی که دین مبین اسلام را کامل‌ترین دین معرفی می‌کند، به این معنا که تعالیم و دستورهای قرآن به طبقه، گروه، جامعه و نژاد خاصی اختصاص ندارد و خطاب آیات عام است، مانند آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیا: ۱۰۷)؛ «و ما تو را جز رحمتی برای همه گروه‌های بشری نفرستادیم»؛ و نیز آیه ۵۲ سوره قلم، ۲۸ سوره سبأ و ۱ سوره فرقان.

د. آیاتی که اوامر و دستورهای قرآنی را ابدی و جاودانه می‌داند، نظیر آیه ۹ سوره حجر، ۴۲ سوره فصلت، ۳ سوره مائده و نیز آیه «... مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۳۸)؛ «... ما در آن کتاب چیزی را فروگذار نکرده‌ایم...». مفسران درباره واژه «کتاب» در این آیه اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای آن را به لوح محفوظ، گروهی به قرآن، برخی نیز به کتاب طبیعت و جهان تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲/۴؛ قرشی، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵/۳؛ ۲۱۶). قراین متعددی دلالت دارد که در این آیه، مراد از واژه «کتاب»، قرآن است. به قرینه مضمون آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» این معنا افاده شود که مراد از «کتاب»، قرآن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۵/۷). به علاوه، وقتی الف و لام بر اسم مفردی داخل شود به معهود سابق (سیاق آیه قبل) باز می‌گردد که مراد کتاب نزد مسلمانان، یعنی قرآن، است. بنابراین، مراد از «کتاب» با توجه به سیاق آیه قبل، قرآن است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۲۶/۱۲).

«... وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹)؛ «... آری هیچ چیزی فرو نمی‌افتد مگر اینکه آن در کتابی روشن ثبت شده است». از دیدگاه غالب مفسران مراد از «کتاب» در این آیه، لوح محفوظ است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۷/۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۲؛ مراغی، بی‌تا: ۱۴۶/۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ۹۲/۵). فخر رازی آن را به علم الاهی و فیض کاشانی به «امام مبین» تفسیر کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۲۶/۲). طباطبایی در دلالت «کتاب مبین» به لوح محفوظ می‌نویسد:

از [آیه ۱۲: سوره حدید] چنین برمی‌آید که نسبت کتاب مبین به حوادث خارجی نسبت خطوط برنامه عمل است به خود عمل. از آیه ۶۱: یونس، ۳: سبأ، ۵۲: طه و از آیات دیگری نیز این معنا استفاده می‌شود ... شاهد دیگر بر اینکه، مراد از «کتاب مبین» معنای اول است، این است که ما به چشم خود می‌بینیم که موجودات و حوادث جهان تحت قوانین عمومی حرکت در حال تغییر و دگرگونی هستند، و حال آنکه آیاتی از قرآن دلالت دارند بر اینکه آنچه که در کتاب مبین است قابل تغییر و دگرگونی نیست، مانند آیه «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» و آیه «فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» و آیه «وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ». زیرا این آیات، به طوری که ملاحظه می‌کنید، دلالت دارند بر اینکه این کتاب در عین اینکه مشتمل است بر جمیع مشخصات حوادث و خصوصیات اشخاص و تغییراتی که دارند در عین حال خودش تغییر و دگرگونی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۰/۷).

## ۲.۲. ادله روایی جامعیت قرآن

قرآن‌پژوهان و مفسران گاهی نیز روایات و اخبار وارد شده درباره جامعیت قرآن را نقل کرده‌اند. این روایات عبارت است از:

الف. روایاتی که قرآن را جامع تمام علوم و فنون و احتیاجات انسان معرفی می‌کند.  
از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئاً تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ ...» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۶/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۰/۱)؛ «خداوند متعال هر چیزی را که امت تا روز قیامت بدان نیاز دارند در قرآن نازل کرده است». روایات دیگری با اندکی تفاوت در این مضمون از امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است (همان؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۷۴/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۷/۶۵). همچنین، در این باره اخباری نیز از صحابه نظیر عبدالله بن مسعود و انس بن مالک نقل شده که گفته‌اند: «مَنْ

أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَثُورَ الْقُرْآنَ» (زمخشری، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۲۹/۱)؛ «أَثِيرُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ فِيهِ خَيْرٌ/عِلْمٌ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۱۵۷/۶).

ب. روایاتی که تأکید دارد در قرآن اخبار گذشته و آینده و همه احکامی که مردم به آن نیاز دارند آمده است.

امام رضا (ع) در این باره فرموده‌اند: «... فِيهِ تَفْصِيلٌ كُلِّ شَيْءٍ بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۱۶/۱)؛ «تفصیل حلال و حرام، حدود و احکام، و به طور کلی آنچه انسان به آن محتاج است، در قرآن وجود دارد». در خطبه‌ای از حضرت فاطمه (ع) نیز مضمون همین روایت نقل شده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۶۷/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۷/۹).

ج. روایاتی که کشف و استظهار علوم مختلف از قرآن را برای افراد خاص می‌داند.

امام علی (ع): «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِفُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ إِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ عِلْمٌ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانٌ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱/۱)؛ «این قرآن را به حرف درآوردید که خودش برای شما سخن نخواهد گفت. به شما خبر دهم علم آنچه گذشته و آنچه تا قیامت خواهد آمد و احکامی که به آن نیاز دارید و حکم آنچه در آن اختلاف دارید، در آن وجود دارد. اگر از من سؤال کنید، به شما یاد خواهم داد». روایت دیگری از امام علی (ع) با همین مضمون با اندکی تفاوت نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۲/۷۳).

د. روایاتی که قرآن را به همراه سنت، منبع و مصدر هر علمی معرفی می‌کند.

امام باقر (ع): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيْنَهُ لِرَسُولِهِ» (همان: ۵۹/۱).

با کنار هم قراردادن مجموع این روایات و تشکیل خانواده‌ای حدیثی در این حوزه و با اندک تأملی در متن آن درمی‌یابیم که هیچ نوع تعارضی بین چهار دسته روایات مذکور وجود ندارد. لذا این روایات در کنار هم تکمیل‌کننده یکدیگرند و محتوای آنها تأکید می‌کند که جامعیت قرآن در جهت هدایت انسان است و اگر بعضی روایات به وجود همه علوم در قرآن اشاره دارد، کشف و استظهار آن به پیامبر (ص) یا ائمه (ع) یا سنت واگذار شده است.

### ۳. جامعیت قرآن در اندیشه مقام معظم رهبری

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، جامعیت قرآن به معنای ضامن بودن آن در تبیین همه حقایق و اشمال آن بر نیازها و تکالیف انسان است. از این رو، این کتاب آسمانی بر همه صحنه‌ها و میدان‌های حضور بشر نظیر بُعد معنوی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مدیریتی، هدایتی، اخلاقی و... اشراف و تسلط دارد و تبیین بودن قرآن، به معنای راهنما، بیان و خط دهنده بودن آن در این صحنه‌ها و میدان‌ها است. ایشان در این خصوص می‌فرماید:

«و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه‌ی حقایق و مشتمل بر دستور همه‌ی نیازها و تکالیف آنهاست: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمۀ و بشری للمسلمین». . بجز اینها، فهرست امکانات امت اسلامی، مشتمل بر صدها عنوان و سرفصل برجسته‌ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازنگری می‌تواند از آن آگاه شود» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۵/۰۴/۰۲، <https://khl.ink/f/2796>).

#### ۳-۱. قلمرو جامعیت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری

تلفی و درک صحیح از بیانات مقام معظم رهبری در باب قلمرو و گستره جامعیت قرآن در مرحله نخست نیازمند تبیین دیدگاه‌ها و نظریات مطرح در این باب: جامعیت حداکثری، اعتدالی و حداقلی، بوده و سپس تطبیق آن با بیانات ایشان است.

#### ۳-۱-۱. جامعیت حداکثری

بر اساس این نظریه، قرآن همه علوم حتی علوم بشری و طبیعی را در ظواهر الفاظ بالفعل داراست. برخی نیز این دیدگاه را جامعیت مطلق نامیده اند (خسرو پناه، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۶). مبنای این دیدگاه آیه ﴿...نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل: ۸۹)؛ «... ما قرآن را که بیانگر هر چیز و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم‌شدگان در برابر حق بود بر تو نازل کردیم تا بر ستم ستمگران و اسلام تسلیم‌شدگان گواه باشی»، و نیز آیات: نحل: ۸۹، انعام: ۳۸، یوسف: ۱۱۱، مائده: ۳ و... و روایاتی نظیر «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ...» و «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا...»؛ و اخبار صادره از ابن مسعود و انس بن مالک است. در بین مفسران فریقین؛ سیوطی، آلوسی، فیض کاشانی، ابن کثیر، طنطاوی، جعفری و حوی از قائلان به

این دیدگاه هستند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۴، ۵۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۲۷؛ جعفری، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۹۴؛ حوی، ۱۴۲۴: ج ۶، ۲۹۶۵).

مخالفان این دیدگاه بر این باورند که قرآن کتاب هدایت بوده و اگر در آیات قرآن اشاره‌ای به علوم مختلف شده از این باب است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۴۶۹). به علاوه اینکه چنین ظهوری از جامعیت، خلاف بداهت بوده و موجب می‌شود ما از الفاظ قرآن کریم معانی جدیدی قصد کنیم که با معانی عصر نزول مغایرت دارد. همچنین چون علوم و نظریات جدید پیوسته در حال تغییر بوده، لذا پذیرش دیدگاه حداکثری موجب می‌شود که دامنه این خطاها و تغییرات متوجه قرآن نیز شود، در حالی که قرآن از باطل به دور است (ذهبی، ۱۹۷۶: ۴۹۲).

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری نیز، دیدگاه حداکثری در بیان قلمرو جامعیت قرآن اعتباری ندارد. ایشان در توضیح فرمایش امام علی (ع) در خصوص شگفت آور بودن ظاهر و عمیق بودن باطن قرآن: «... إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ...»؛ بدرستی که ظاهر قرآن، نیکو و باطن آن عمیق است، اگرچه مراد از عمیق بودن باطن قرآن را درک باطن آیات قرآن به فراخور فهم مخاطبان دانسته، اما تفسیر آن به استخراج علوم و فنون مختلف از قرآن را برداشتی غلط و غیر قابل قبول می‌داند و می‌فرماید: «اینکه گفته میشود «از قرآن درس زندگی بیاموزیم»، معنایش این نیست که مثلاً فرض کنید که بایستی ما قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را هم در قرآن پیدا کنیم؛ نه، قرآن ذهن ما را به معارف عالی مزین میکند. وقتی ذهن انسان با معارف عالی بالا رفت، همه‌ی اسرار عالم را میتواند بفهمد؛ حکمت می‌آموزد: آن که در او جوهر دانایی است بر همه کاریش توانایی است». (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶، <https://khl.ink/f/42448>).

از این رو جامعیت حداکثری به معنای کشف و استنباط همه علوم حتی علوم بشری و طبیعی از ظاهر آیات قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری مردود بوده و جایگاهی ندارد.

### ۳-۱-۲. جامعیت اعتدالی

بر اساس این نظریه، قرآن کتاب هدایت‌گر انسان در امور مادی و معنوی است و از آن به دیدگاه میانه نیز تعبیر شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). در بیان قرآن پژوهان و مفسران،

قلمرو و گستره آن به جامعیت اعتدالی - هدایتی، اعتدالی - احکامی و اعتدالی - مخاطبان خاص تعبیر شده است.

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری نیز در خصوص گستره و قلمرو جامعیت قرآن، بر این دیدگاه (اعتدالی) تاکید شده است. ایشان در تبیین ابعاد آن، قسمتی از جامعیت اعتدالی را هدایتی و بخشی را علمی (تحول بنیادین در علوم انسانی) می‌داند.

### ۳-۱-۲-۱. جامعیت اعتدالی - هدایتی

مطابق این دیدگاه، قرآن کریم تمام امور مورد نیاز انسان در مسیر هدایت را بیان کرده و مراد از «لِکُلِّ شَیْءٍ» در آیه ۸۹: نحل، تمام اموری است که با هدایت انسان مرتبط است از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواعظی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاجند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۶۹). در بین مفسران فریقین، علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی و رشید رضا از قائلان به این دیدگاه هستند (همان جا؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۶۲؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۸).

مقام معظم رهبری نیز در تفسیر آیه ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...﴾ (اسراء: ۹)؛ «به راستی این قرآن به آیینی که از همه آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است هدایت می‌کند...»، هدایت قرآن را به بهترین راه، کار، نظام، شیوه، اخلاق فردی و اجتماعی دانسته و آن را نسخه شفا بخش و فراهم کننده موجبات پیشرفت مادی و معنوی در هر عصری معرفی می‌کند (بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۰۹/۰۱، <https://khl.ink/f/2919>). از این رو در اندیشه ایشان هدایت قرآن به حوزه محدودی از زندگی بشر اختصاص نداشته و آن بعد معنوی، اجتماعی، اخلاق فردی، تربیت خانوادگی را شامل می‌شود و ناظر بر همه بخش‌های زندگی بشر است. ایشان در این باره می‌فرماید:

«هدایت قرآن به یک منطقه محدودی از زندگی بشر اختصاص ندارد؛ هدایت قرآنی، مربوط به همه‌ی گستره‌ی عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را هدایت کند و در یک بخش دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مهمل بگذارد و بی‌اعتنا عبور بکند؛ نه، قرآن مشرف به همه‌ی گوشه و کناره‌های صحنه‌ی زندگی و میدان حضور بشر است» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۰/۰۱/۲۵، <https://khl.ink/f/47709>).

در بیانات مقام معظم رهبری، جامعیت هدایتی قرآن در جهت رفع نیازهای اصلی بشر بوده و قرآن برای رفع این نیازها در همه ابعاد فردی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاست و حکمرانی، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های منسجم و منظمی دارد (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲، <https://khl.ink/f/48891>). در اندیشه ایشان؛ تقویت جنبه معرفتی و زنده کردن دل و قلب انسان درآیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (احزاب: ۴۱-۴۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید و ذکر او گوید\* و بامدادان و عصرگاهان که شاهد تحول و دگرگونی هستید خدا را تسبیح کنید و او را از تغییر و تحول و از هر عیب و نقصی پاک بشمارید»، دستور به پیکار در راه خدا با دوستان شیطان در عمل و رفتار درآیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (نساء: ۷۶)؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا پیکار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند، پس با دوستان شیطان پیکار کنید که قطعاً نیرنگ شیطان سست است، از مصادیق هدایت فردی قرآن، پرهیز از تکبر و فخر فروشی در آیه ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (لقمان: ۱۸)؛ «و به تکبر، از مردم رخ برمتاب و در زمین همچون سرمستان سبک مغز گام بردار، چرا که خداوند هیچ خیالباف متکبر و فخرفروشی را دوست نمی‌دارد»، و میانه روی در رفتار و گفتار در آیه ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (لقمان: ۱۹)؛ «پسر! در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است»، از مصادیق هدایت اخلاقی قرآن، تشکیل خانواده و تربیت فرزند به عنوان عامل روانی و سکون خانواده بر اساس آیات ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان: ۷۴)؛ «و کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، از همسران و فرزندانمان نسلی پرهیزگار به ما ببخش که مایه خرسندی و روشنی چشم ما باشد، و چنان کن که در کارهای پسندیده و دستیابی به رحمت تو از همگان سبقت گیریم و پیشوا و مقتدای تقوایبندگان باشیم»، ﴿وَ أَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۳۲)؛ «ای مؤمنان، به مردان

و زنان بی همسری که از [همکیشان] شما هستند و به آن بندگان و کنیزانتان که شایستگی ازدواج را دارند، همسر دهید. اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خود توانگر خواهد ساخت، که خداوند دارای بخششی گسترده است و به حال کسی که صلاح او در گشایش است داناست» و ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم: ۲۱)؛ «و از جمله نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت تا نسل بشر را تداوم بخشد. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است بر این‌که تدبیر امور انسان‌ها در اختیار خداوند است». دستور به اقامه عدل و قسط در آیه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ (حدید: ۲۵)؛ «همانا ما پیامبران خود را با دلایل قاطع و معجزاتی که حقانیت رسالت آنان را آشکار می‌ساخت فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و دین را که معیار عقاید و اعمال انسان‌هاست فرود آوردیم، تا مردم همواره به عدل و داد برپا باشند...»، از مصادیق هدایت اجتماعی قرآن، زکات در آیه ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (توبه: ۱۰۳)؛ «ای پیامبر، از اموال مردم زکات بگیر، که با گرفتن زکات از آنان پاکشان می‌سازی و آنان را رشدی نیکو می‌دهی، و پس از دریافت زکات دعا کن که خدا خیر و برکت به آنان عطا کند، همانا دعای تو باعث آرامش آنهاست، و خداوند شنونده دعاها و دانا به همه نیازها است» و حفظ اموال سفیهان در آیه ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (نساء: ۵) «و اموال یتیمان را که در اختیار شماست و خدا اموال را سبب برپایی زندگی شما مردم قرار داده است به کم‌خردانشان ندهید که آن را تباه می‌سازند، بلکه از درآمد آن به ایشان خوراک و پوشاک دهید و با آنان به نیکی سخن گوید». از مصادیق هدایت کلی اقتصادی قرآن، برخورد با منافقان و شایعه افکنان در آیات ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب: ۶۰)؛ «اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و شایعه‌افکنان در مدینه، از کارهایشان باز نایستند، قطعاً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم تا از مدینه بیرونشان کنی، آن‌گاه جز زمانی کوتاه در مجاورت تو در این شهر نخواهند زیست» و ﴿وَإِذَا

جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُمْ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾ (نساء: ٨٣)؛ «و چون از سوی دشمنان خبری که حاکی از امنیت یا ترس است به آنان برسد، آن را در میان مؤمنان پخش می‌کنند و باعث سستی آنان در برابر دشمن می‌شوند؛ و اگر آن را به پیامبر یا صاحبان فرمان خود باز می‌گردانند، کسانی از آنان که حقیقت ماجرا را با بررسی و تحقیق کشف می‌کنند، درستی یا نادرستی آن را تشخیص می‌دادند. و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود، قطعاً همه‌تان - جز شماری اندک - از شیطان پیروی می‌کردید و از همراهی با پیامبر در جهاد با مشرکان سر باز می‌زدید»، از مصادیق حکمرانی اسلامی است.

از این رو در بیانات مقام معظم رهبری، بخشی از جامعیت اعتدالی قرآن در جهت هدایت انسان بوده که آیات قرآن با در نظر گرفتن نیازهای اساسی انسان در حوزه فردی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، تشکیل حکومت و... راهکارهای متناسب با این حوزه‌ها را بیان می‌کند.

### ۳-۱-۲-۲. جامعیت اعتدالی - علمی

علم در لغت به معنای یقین کردن، دانستن، شناختن و درک حقیقت اشیاء آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل همین مدخل؛ راغب، ۱۴۱۲: ۸۵۰). و در آیات قرآن نیز این واژه در معانی زیر به کار رفته است: مطلق علم در آیات ﴿...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۹)، مراد از علم در این آیه مطلق بوده، اگرچه منظور از آن بر حسب مورد آیه، علم الهی که آدمی را به کمال می‌رساند، نیز می‌تواند باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۳۷۰). با این حال باید بین دلالت آیه و ملاک آن فرق گذاشت، از نظر دلالت، آیه منحصر در علوم است که در مسیر الهی باشد و از نظر ملاک، به تعبیر اصولی‌ها، الغای خصوصیت، همه علوم است که برای بشر مفید باشد را شامل می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۳: ۳).<sup>۱</sup> از این رو مقصود از علم در این آیات مطلق دانش است که شامل علوم رسمی و معرفت الهی می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۴۲). و آیه ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾ (مجادله: ۱۱)، اگرچه این آیه در مورد خاصی نازل شده ولی مفهوم عامی دارد و بیانگر آن است که دو چیز

<sup>۱</sup> رجوع شود به آدرس اینترنتی :

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/tafsir/92/930418>

آدمی را نزد خدا بالا می‌برد: ایمان و علم ( مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳، ص ۴۴۳)، و نیز آیه ﴿ وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ... ﴾ (فاطر: ۲۸)، در این آیه خشیت و ترس دانشمندان را پس از توجه به رنگ‌های متفاوت انسان‌ها، چهارپایان و حیوانات، بیان کرده و در مفهوم آیه نخست به علوم تجربی و سپس به واکنش دانشمندان در برابر خدا اشاره شده؛ از این رو مقصود از دانشمندان در این آیه، فقط دانشمندان دینی نیست، بلکه عالمان علوم تجربی را نیز شامل می‌شود؛ البته دانشمندانی که از علوم تجربی و مطالعه در پدیده‌های طبیعی راهی به سوی درک عظمت و قدرت خدا می‌گشایند و حتی رنگ‌های طبیعی را نشانه‌های خدا می‌دانند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۷، ۱۱۸). علم خاص (الهی) در آیه ﴿ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ (طلاق: ۱۲)، که هدف از آفرینش آسمان‌ها و زمین را، آگاهی انسان به علم و قدرت الهی بیان می‌کند ( مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ۲۶۳). علم لدنی در آیه ﴿ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴾ (کهف: ۶۵)، که غیر اکتسابی و مختص اولیاء که همان علم به تاویل حوادث است، به کار رفته است ( طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۴۷۴).

این واژه در اصطلاح اهل منطق، به صورتی از شیء که نظر عقل یا قوه مدرکه حاصل می‌شود تعریف شده است ( خوانساری، ۱۳۸۷: ص ۲۵) و برخی از اندیشمندان نیز آن را به: مطلق آگاهی و دانش در مقابل جهل، مجموعه قضایای شخصی و خاص که مناسبتی بین آنها بوده نظیر علم تاریخ، جغرافیا و رجال، مجموعه قضایای کلی غیر حقیقی اعتباری و قراردادی مانند علم لغت و دستور زبان، مجموعه قضایای کلی حقیقی غیر اعتباری و غیر قراردادی نظیر الهیات و مابعد الطبیعه، مجموعه قضایای کلی حقیقی حسی و تجربی، مانند علوم تجربی (علوم طبیعی و انسانی)، معنا کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۷).

مراد از علم در اندیشه مقام معظم رهبری، علوم انسانی بوده که بخشی از تعریف اخیر علم در اصطلاح، یعنی مجموعه قضایای کلی حقیقی حسی و تجربی در بُعد انسانی، را شامل می‌شود. ایشان، تمام علوم و دانش‌ها را به عنوان کالبدی دانسته که علوم انسانی روح آن بوده و در صورت انحراف آن، همه علوم و دانش‌ها به سمت یک گرایش انحرافی تمایل پیدا خواهد کرد

و از این رو این علوم به منزله هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور بوده که نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته و آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است.

مقام معظم رهبری در ده سال اخیر بحثی را با عنوان تحول بنیادین در علوم انسانی مطرح می‌کند که آن به معنای بی‌نیازی از کار فکری و تحقیقاتی دیگران (غرب) نبوده و بلکه مراد از آن بررسی و تحقیق فکری در مباحث رشته‌های مختلف علوم انسانی ترجمه شده از غرب، قبل از ورود به بخش‌ها مختلف دستگاه‌های تعلیم و تربیت کشور و تقلید نکردن از آن است. ایشان دلیل این بررسی را، نخست جهان بینی و نگرش مادی این علوم بر انسان و محیط پیرامون او، و سپس منشأ و خاستگاه پوزیتیویستی آن دانسته و می‌فرماید: « بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند، مبتنی بر یک جهان‌بینی است غیر از جهان بینی ما. علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان‌بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی ما برخاسته‌ای از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. قبلا که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ قبلا که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ آنها آمده‌اند همین اقتصاد را، همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خوب، این به درد ما نمی‌خورد...» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲، <https://khl.ink/f/26418>).

مقام معظم رهبری، مبادی و مبانی علوم انسانی تقلیدی و ترجمه‌ای از غرب را متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی دانسته و نتیجه ورود چنین مباحثی به مراکز آموزشی را، تربیت دانش‌آموختگانی می‌داند که نگاه غیر اسلامی و مادی به علوم انسانی دارند. ایشان در این خصوص می‌فرماید:

«... این علوم انسانی، تربیت‌شده و دانش‌آموخته‌ی خود را آنچنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیر اسلامی است. می‌بینیم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او درباره‌ی مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد میکند، نه؛ اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او

حرف میزنید، با یافته‌های علمی او، با آن دو دو تا چهار تا هائی که او در این علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید...» (همان)

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری یکی از ابعاد جامعیت اعتدالی قرآن در حوزه علوم انسانی است. از این رو ایشان تنها راه اصلاح علوم انسانی غربی که نگرش مادی به انسان و ارزشهای انسانی دارند را تغییر مبانی این علوم از جایگاه غربی آن به خاستگاه قرآنی و اسلامی دانسته و می‌فرماید: «... ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحبان نظران در علوم مختلف انسانی میتوانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آنوقت میتوانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۱۸، <https://khl.ink/f/8259>).

از این رو بخش دیگری از جامعیت اعتدالی قرآن در بیانات مقام معظم رهبری در حوزه علوم انسانی است که ایشان با طرح دیدگاهی با عنوان «تحوّل بنیادین علوم انسانی» بر این نکته تأکید دارد که منشأ و خاستگاه پوزیتیویستی این علوم که مبتنی بر تجربه و آزمایش است باید به مبانی قرآنی و اسلامی تغییر پیدا کند تا در نسل و جامعه دانشگاهی تأثیر قرآنی داشته باشد.

### ۳-۱-۳ جامعیت حداقلی

عده‌ای این نظریه را جامعیت نسبی حداقلی و برخی نیز عدم جامعیت نامیده‌اند. بر اساس این دیدگاه؛ دین در مواردی همچون علوم طبیعی، علوم انسانی و حتی فقه حداقل لازم را به ما آموخته است. از منظر این نظریه، تنها اخلاق حداکثری است و دین فقط مسائل ارزشی و اخلاقی را شرح داده و تنها در حوزه اخلاق کامل بوده و کمال دین هم، به همین معناست (سروش، ۱۳۷۷: ص ۲-۹). اگرچه این دیدگاه در خصوص عدم جامعیت دین است نه قرآن، اما به قرآن نیز سرایت دارد؛ چرا که دین از آیات و روایات اخذ می‌شود.

این دیدگاه، مخالف آیات و روایات بیانگر جامعیت قرآن و همچنین دیدگاه‌های صحیح در باب قلمرو جامعیت قرآن است. علاوه بر آن در قرآن به مسائل مختلف اعتقادی، فقهی، فضائل عامه انسانی، قوانین اجتماعی و فردی اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۲۷).

در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری (ره) نیز، دیدگاه حداقلی در تبیین قلمرو جامعیت قرآن جایگاهی ندارد. در نظر ایشان، نگرش حداقلی به معارف قرآن و تعالیم اسلام نگاه سکولاریستی و ترویج دیدگاه نادرست جدایی دین از سیاست بوده و به دلایل زیر مردود است: نخست آنکه اولین اقدام پیامبر (ص) بعد از هجرت، سیاست و تشکیل حکومت اسلامی و ارسال نامه دعوت به اسلام به کشورهای مختلف بود. ثانیاً اینکه نگرش حداقلی به جامعیت قرآن، مهجور قرار دادن قرآن و رها کردن معارف آن و ایمان و عمل به بخشی از آیات آن و انکار بخشی دیگر است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، <https://khl.ink/f/29151>). و آن مطلبی است که آیات قرآن آن را مذموم شمرده است: ﴿الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ﴾ (حجر: ۹۱)؛ همانا که قرآن را بخش‌بخش کردند؛ بخشی را سحر و بخش دیگر را افسانه‌های پیشینیان و بخشی را ساخته و پرداخته پیامبر شمردند، ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان: ۳۰)؛ و روزی را که محمد- فرستاده خدا، لب به شکایت می‌گشاید و می‌گوید: پروردگارا، کافران و گنهکاران قوم من این قرآن را وانهادند و ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۵۰)؛ یهودیان و مسیحیان که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند، زیرا می‌گویند به برخی از پیامبران ایمان داریم و برخی دیگر را انکار می‌کنیم، و می‌خواهند میان ایمان به خدا و همه پیامبران و کفر به خدا و پیامبران راهی برگزینند (به خدا و برخی از پیامبران ایمان داشته باشند) ﴿... در حالیکه مطابق آیات قرآن یکی از وظایف پیامبران، اجرای عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، برپایی نماز و... بوده که بیانگر جامعیت ادیان و کتابهای آسمانی است.

در اندیشه مقام معظم رهبری، دین و دولت منبع و ریشه واحدی به نام قرآن دارد ایشان در توضیح آن می‌فرماید: «در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. یک عده از این طرف، سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، یک عده هم در طرف مقابل، اسلام را فقط سیاست و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری

می‌دانند. اخلاق و معنویت و محبت و فضیلت و کرامت را که بزرگترین هدف بعثت پیغمبر ماست، ندیده می‌گیرند. این هم «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» است؛ این هم «تؤمن ببعض و نکفر ببعض» است. اسلام را در جملات براق و مشعشع سیاسی خلاصه کردن، از خشوع دلها غافل شدن، از ذکر، از صفا، از معنویت، از زانو زدن در مقابل خداوند، از خدا خواستن، به خدا دل بستن، اشک ریختن در مقابل عظمت پروردگار، رحمت الهی را طلب کردن، صبر و حلم و سخا و جود و گذشت و برادری و رحم را ندیده گرفتن و صرفاً به سیاست چسبیدن به اسم اسلام، هم همان انحراف را دارد؛ تفاوتی نمی‌کند» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱، <https://khl.ink/f/3348>).

از این رو در بیانات مقام معظم رهبری، دیدگاه حداقلی به معنای انحصار مباحث و محتوای آیات قرآن در بعد اخلاقی و ارزشی، نوعی نگاه سکولاریستی به آیات قرآن و مهجور گردانیدن قرآن و قبول برخی آیات قرآن و انکار بعضی دیگر بوده و اعتباری ندارد.

### نتیجه‌گیری

جامعیت قرآن، به معنای جاودانگی قرآن در هر زمانی و جهان‌شمولی آن بر هر مکانی، یکی از مباحثی است که مورد پذیرش همه دانشمندان اسلامی بوده و مسلمانان در هر عصری بُعد جدیدی را از آن کشف کرده‌اند. مفسران و قرآن‌پژوهان فریقین با استناد به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از معصومین (علیهم السلام) و دیدگاه‌های مختلفی را در این باره بیان کرده‌اند. عدّه‌ای با پذیرش دیدگاه حداکثری بر این باورند که در ظواهر آیات قرآن کریم به همه علوم حتی علوم بشری و طبیعی اشاره شده است. گروهی دیدگاه اعتدالی را برگزیده و قرآن را هدایت‌گر انسان در مسائل مادی و معنوی دانسته‌اند. دسته‌ای بر اساس دیدگاه حداقلی، جامعیت قرآن را فقط در باب ارزش‌ها و مسائل اخلاقی می‌دانند. در این میان در اندیشه مقام معظم رهبری، دیدگاه حداکثری مردود بوده و نظریه حداقلی، نگرش سکولاریستی به قرآن و مهجور ماندن آن و ایمان به بعضی از آیات قرآن و انکار بعضی دیگر، با منطق قرآن و سیره پیامبر (ص) در تشکیل حکومت اسلامی و وظایف آن حضرت براساس قرآن همچون: اجرای عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، برپایی نماز و... مغایرت دارد. ایشان با پذیرش جامعیت اعتدالی، قسمتی از آن

را در بعد هدایتی، بیان تمام امور مربوط به هدایت و تربیت انسان در جهات مختلف فردی، اجتماعی، معنوی و... و بخشی دیگر را در بعد علمی، تحوّل بنیادین در علوم انسانی به معنای تغییر مبانی این علوم از خاستگاه غربی آن به جایگاه قرآنی، می‌داند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه: محمد رضا صفوی، قم: دفتر نشر معارف.
- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۰). معجم المقاییس اللغة، تحقیق: ابراهیم شمس الرین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، جمال الدین محمد مکرم. (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ایازی، سید محمد علی. (۱۳۸۰). جامعیت قرآن. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم: انتشارات هجرت.
- حکیمی، عبدالمومن. (۱۳۹۶). بررسی جامعیت و مرجعیت علمی قرآن با نگاهی بر اندیشه های مقام معظم رهبری، همایش ملی قرآن کریم؛ جامعیت و جهانی بودن. اصفهان: جامعه المصطفی العالمیه اصفهان.
- حوّی، سعید. (۱۴۲۴). الاساس التفسیر. قاهره: انتشارات دارالسلام.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۴). گستره قرآن. نشریه پژوهش حوزه: شماره ۱۹ و ۲۰.
- خوانساری، محمد. (۱۳۸۷). منطق خوانساری. تهران: نشر آگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: نشر روزنه.
- ذهبی، محمد حسین. (۱۹۷۶). التفسیر و المفسرون. بیروت: دار الکتب الحدیث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۲). مفردات الفاظ القرآن. قم: انتشارات ذوی القربی.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴). المنار. بیروت: دار المعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۱). قلمرو قرآن. فصلنامه لسان صدق. دوره اول: شماره ۱.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- زیبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- زمخشری، محمود (۱۴۱۷). الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العربیه.
- سروش، عبد الکریم. (۱۳۷۷). دین اقلی و اکثری. فصلنامه کیان. دوره هشتم: شماره ۴۱.
- سیاح، احمد. (۱۳۶۸). فرهنگ بزرگ جامع نوین. تهران: انتشارات اسلام.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنتور فی تفسیر المائور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.

- شفیعی، علی. (۱۳۸۵). جامعیت قرآن پژوهشی پیرامون قلمرو انتظار از قرآن: شوکانی، محمد. (۱۴۱۴). فتح القدير. دمشق: دار ابن کثیر.
- www.ommolketab.ir
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة، تصحیح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب.
- صدری افشار، غلامحسین. (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون الاخبار الرضا علیه السلام. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، لبنان: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
- طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية.
- قرائتی. محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.
- کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴). آموزش فلسفه. ج ۱. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۰). التمهید فی علوم القرآن. قم: حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲). آداب الصلوٰه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- مؤدب، رضا. (۱۳۸۶). مبانی تفسیر. قم: انتشارات دانشگاه قم.

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/tafsir/92/930418>